irannewspaper.ir

پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴ • سال سی و یکم • شماره ۸۷۱۷
• اذان ظهر ۱۲/۰۴ • اذان مغرب ۱۸/۵۸ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۰۳/۵۹ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۲۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

• **مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام رضا(ع):
برترین خِرد، خودشناسی است.

گزیده حکمت نامه رضوی، صفحه: ۷۲

امیدوارم روزی «حذف کردن دیگری» از ذهن‌مان پاک شود

نقل قول

یکی از آرزوهای من این است که در سینمای ایران چیزی به نام پروانه ساخت نداشته باشیم. واقعاً دیگر نمی‌شود ۷ نفر بنشینند و درباره یک فیلم تصمیم بگیرند. عرف جامعه می‌تواند به ما بگوید یک فیلم چگونه باید باشد. حتی در شرایط امروز معتقدم برای پروانه نمایش هم وجود یک شورای ۷ نفره کفایت نمی‌کند. صدور پروانه نمایش هم نیاز به یک آکادمی دارد که محدود به سینماگران نباشد و اساتید دانشگاه و کارشناسان اقتصادی هم باید در آن حضور داشته باشند تا فارغ از اینکه یک فیلم را چه کسی ساخته است، درباره رده‌بندی فیلم‌ها تصمیم‌گیری کنند. امیدوارم روزی ما «حذف کردن دیگری» را از ذهن‌مان پاک کنیم و این حق را برای همه آدم‌ها قائل باشیم به‌دلیل آن‌که شرف حضور در این دنیا پیدا کرده‌اند، صاحب حق و حقوقی هستند.

بخشی از گفته‌های شهاب حسینی با خبرآنلاین

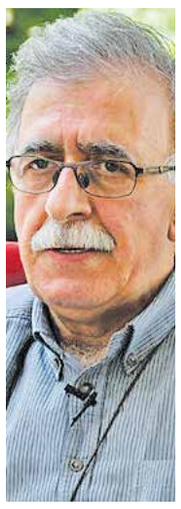

خبر تازه همایون اسعدیان درباره «پیر پسر»

همایون اسعدیان، دبیر شورای صنفی نمایش درباره زمان اکران فیلم «پیر پسر» گفت: «با اینکه اعلام شده این فیلم توسط دفتر پخش عامریان فیلم اکران می‌شود، اما بین دو پخش‌کننده یک اختلاف حقوقی وجود دارد و به همین دلیل با وجود اینکه «پیر پسر» با همان مدت زمان بیش از سه ساعتی خود پروانه نمایش دارد، اما هنوز قراردادی در شورا برای آن ثبت نشده تا مسأله پخش‌کننده برطرف شود.»

/ ایسنا

هادی حجازی‌فر رستم «خون سهراب» شد

هادی حجازی فر و ساعد سهیلی به عنوان بازیگران اصلی فیلم جدید محمد حسین مهدویان معرفی شدند. حجازی فر و سهیلی پیش از این در فیلم «لاتاری» این کارگردان حضور داشتند و «خون سهراب» دومین همکاری مشترک‌شان به حساب می‌آید. پیش تولید این فیلم که اقتباسی از داستان «رستم و سهراب» شاهنامه فردوسی است، مدت‌هاست که آغاز شده و بزودی در مرحله فیلمبرداری قرار می‌گیرد.

/ روزنامه اینترنتی سینما

تقدیر از بهاءالدین خرمشاهی در زادروز هشتادسالگی‌اش

گرامیداشت بهاءالدین خرمشاهی، حافظ پژوه، فرهنگ‌نویس، مترجم، نویسنده و استاد دانشگاه با حضور جمعی از پیشکسوتان فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد. او تألیفاتی در حافظ شناسی و تفسیر شعرهای او دارد و پژوهش در شعر و زندگی حافظ شیرازی حوزه تخصصی کار پژوهشی اوست. خرمشاهی تاکنون چندین کتاب درباره حافظ نوشته که در آن میان کتاب «حافظ نامه» در زمینه شرح الفاظ، اعلام، مفهوم‌های کلیدی و بیت‌های دشوار حافظ بیش از همه شهرت دارد./ایسنا

نگاره — خواب، تخلیه تخیل است

طراح: آلبرتو روگیری

دیالوگ

معتقدم اگر شعر خوب یا رمان خوبی بخوانی
چیزی از آن در وجود تو می‌ماند
در وجدان تو، در شخصیت تو می‌ماند
و از راه‌های مختلف به تو کمک می‌کند

ماریو بارگاس یوسا

چرا ادبیات؟

یادداشت

سعید اسلام‌زاده
روزنامه‌نگار و منتقد هنری

درباره عکس از منظر گفتمان شناسی (۲)

تصویر ایرانی در شبکه معنایی

در بخش اول به این مسأله اشاره کردم که هر عکس در بافت فرهنگی مشخص معنا پیدا می‌کند و فهم عکس‌های بومی، در اقلیم دیگر بدون دریافت اطلاعات جانبی و شناخت نظام ارتباطی اجزای عکس ناممکن است، اما در بخش دیگری از دسته‌بندی‌های عکاسانه مثل عکس‌های ورزشی و سیاسی، به علت کثرت اطلاعات رسانه‌ای در اخبار که همراه با متن‌های تکمیلی، ویدیوهای خبری، گزارش‌های مختلف مکتوب و تصویری که در جهان پخش شده است، به‌راحتی با جزئیات و مناسبات و نظام ارتباطی و نشانه‌شناختی عکس‌های سیاسی و ورزشی آشنا شده‌ایم. اما بی‌تردید بدون اطلاع از قبائل سرخپوست و آشنایی با اسطوره‌ها و شمایل‌های افسانه‌ای و آیکون‌های متافیزیکی آنها به فهم درستی از عکس‌ها نخواهیم رسید و دست بالا آنها را تصاویری دیدنی معرفی می‌کنیم.

فهم جامعه ایرانی از عکس (به علت قدمت طولانی ورود دوربین‌های عکاسی به ایران) به حدی رسیده است که توانایی خواندن و خوانش عکس‌های مختلف را داشته باشیم. یعنی جامعه ایرانی دست‌کم در بخش تحصیل‌کرده، به سواد عکاسانه و خواندن عکس تا حد زیادی مجهز و آموخته شده است. برای همین، گفتمان عکس در ایران و شناخت و فهم از آن، تا حدی قابل تأمل است. اما در زمینه گفتمان‌شناسی عکس در فرهنگ ایرانی با شناخت و سوادی مواجهیم که چند سویه و متکثر است و من منشأ آن را در دانشگاه و انبوه کتاب‌های ترجمه‌ای می‌دانم. البته که بر کسی پوشیده نیست برگردان فارسی کتاب‌هایی درباره عکس و عکاسی تا چه اندازه بر فهم تئوریک و قالب‌های فلسفی فهم ما از عکس کمک کرده است. اما به نظر می‌رسد خطای راهبردی دانشگاه و جامعه عکاسی ایران، این بوده که آن نظریه‌ها را فصل‌الخطاب فهم زیبایی‌شناسی و قاب‌بندی و هارمونی و معنای عکس در نظام عکاسی ایرانی دانسته‌ایم. به‌همین دلیل در عکس‌هایی که شبکه معنایی پیچیده و نظام ارتباطی گسترده‌ای را به مخاطب نشان می‌دهد، نگاه بومی نداشته‌ایم و با معیارهای هنر مدرن و پست مدرن که در دانشگاه‌ها و کتاب‌های نقد عکس مطرح شده، هر عکسی را تحلیل و نقد و داوری کرده‌ایم. جامعه عکاسی ایران با نظام‌های گفتمانی متعدد و متکثری مواجه است و همین باعث شده تا نحوه مواجهه متفاوتی با عکس را در میان عکاسان ببینیم. عده‌ای متکی بر دانش آکادمیک‌اند که واجد ارزش‌های علمی و هنری بسیاری است و عکس را با معنای جهان شمول بودن نشانه‌ها و ذاتی بودن معنای عکس، تعریف می‌کنند و عده‌ای نیز معتقدند که عکس در فرهنگ ایرانی شامل داده‌ها و نظام نشانه‌ای و شبکه ارتباطی ایرانی است که ممکن است یک غیرایرانی که دور از فرهنگ ایرانی زیسته، چندان با معنای عکس ایلات و عشایر و یا حتی عکس‌های خیابانی از شهرهای کوچک و بزرگ ما ارتباط معنایی برقرار نکند و یک اثر را صرفاً با مقوله ترکیب‌بندی و هارمونی اجزای عکس فهم و تحلیل کند و نیازی به درک ارتباط میان اجزای عکس برای خود احساس نکند. این مسأله حتی در عکس‌های اجتماعی هم مطرح می‌شود. تفاوت زاویه نگاه و کادربندی یک عکاس غیربومی از یک رویداد فرهنگی- مذهبی و آیینی ایرانی، با یک عکاس آشنا به آن فرهنگ، تفاوت‌های اساسی دارد. تأکید بر جزئیات محیط اجرای آیین و رویداد بین عکاسان متفاوت است. اما در مقابل ممکن است شباهت‌های زیادی میان عکس‌های عکاسان جهان از عکاسی از یک رویداد سیاسی مثل انتخابات یا تظاهرات مردمی ببینیم. در رجوع به آژانس‌های عکس در جهان عکس‌هایی شبیه به هم را از صحنه‌های رقابت‌های سیاسی و ورزشی مشاهده می‌کنیم. چراکه نظام شناختی و ارتباطی واقعه‌ای مثل مسابقه فوتبال و یا رأی‌گیری در یک منطقه دورافتاده هم، در همه جای جهان شناخته شده است.

گفت‌وگو با علیرضا صمدی به بهانه اکران آنلاین فیلمش «روایت ناتمام سیما»

به سینمای تک‌ژانری رسیده‌ایم

گفت‌وگو

سپیده شریعت رضوی
خبرنگار

علیرضا صمدی، کارگردان جوان سینمای ایران این روزها سومین ساخته‌اش یعنی «روایت ناتمام سیما» در سینماآنلاین فیلیمو، پیش چشم مخاطبان قرار دارد. این فیلمساز پیش از این ۲ اثر سینمایی «بی‌نامی» و «صحنه‌زنی» را کارگردانی کرده بود که در جشنواره جهانی فیلم فجر برنده سیمرغ نقره‌ای بهترین کارگردانی برای «صحنه‌زنی» شد. اما قصه تازه‌ترین اثر علیرضا صمدی، قصه روانشناسی است که شهرت بسیاری دارد و بعد از افشای یک خبر در فضای مجازی، زندگی‌اش دستخوش تغییر می‌شود. حامد کمیلی، آزاده صمدی، مهران احمدی، مسعود کرامتی، مریم سعادت و غزل شاکری از جمله بازیگران این اثر هستند. اکران آنلاین این اثر بهانه‌ای شد تا با صمدی به گفت‌وگو بنشینیم که در ادامه می‌خوانید.

«روایت ناتمام سیما» را می‌توان اثری اقتباسی دانست؟ چه شد که برای سومین اثر بلند سینمایی‌تان به سراغ موضوعی متفاوت رفتید؟

ابتدا می‌خواهم بخش دوم سؤالتان را پاسخ دهم. متفاوت با چی؟ متفاوت با موضوعاتی که در سینمای این روزهای ایران هست؟ قبول می‌کنم، اگر شما به ۲ اثر قبلی من نیز نگاه کنید، متوجه می‌شوید که آنها نیز موضوعات متفاوتی نسبت به جریان اصلی سینمای ایران دارند، اما متفاوت نسبت به جامعه؟ نه گمان نمی‌کنم. فکر می‌کنم موضوعاتی که به آنها پرداخته‌ام، اتفاقاً موضوعات اصلی جامعه ایرانی است. من در فیلم اول خود به مشکل روابط و تغییر طبقه، در فیلم دومم فقر و در فیلم سومم به مسأله حقوق زنان پرداختم که هر سه از مهم‌ترین مسائلی است که جامعه ایرانی با آن سروکله می‌زند. اما برگردم به بخش اول سؤالتان، راستش من اقتباس را به معنای فیلمنامه اقتباسی، اقتباس از یک رمان و داستان یا متن نوشته شده می‌دانم و نگاه به حوادث واقعی را فیلمنامه اقتباسی نمی‌دانم.

موضوعات روز چقدر جای پرداخت در سینمای ایران دارد و اساساً سینما تا چه حد نیازمند ساخت آثاری با این دست موضوعات است؟

به نظر من در طول تاریخ هنر، همواره موضوعات روز انسان در آثارش حضور دارد و فقط نوع بیانش متفاوت است، حتی شما نقاشی‌های ابتدایی غار «آلتامیرا» را هم ببینید، دیوارنگاری‌ها همه درباره شکار و اتفاقات خالق اثر است. پس فکر نمی‌کنم هنر منفک از اتفاقات روز باشد، حتی در هنر مدرن شما باید اتفاقات دو جنگ جهانی را درک کنید تا متوجه چرایی نقاشی‌های پولاک یا نمایشنامه‌های بکت شوید. پس همیشه هنر درگیر وقایع روز است، فقط شکل بیانش متفاوت است. سینما به دلیل گستردگی مخاطبش نسبت به دیگر هنرها، طبیعتاً بیشتر با موضوعات روز جامعه درگیر و به دلیل قصه‌گو بودن بخش مهمی از تولیدات سینما، ظهور موضوعات اجتماعی بیشتر است.

ما در این فیلم آنچنان که باید به برخی از شخصیت‌ها نزدیک نمی‌شویم و چه بسا قصه‌شان الکن باقی می‌ماند. این امر، خودخواسته بوده است؟

راستش این اتفاق شخصیت الکن یا مقوایی، چند سالی است گریبان نقد سینمای ایران را گرفته است. همه ما می‌دانیم چه کسی این بازی را شروع کرد و همان آقا هم هیچ وقت دو مثال درست از تئوری‌هایی که می‌بافت، نزد. من در حال نوشتن رمان نیستم که تک‌تک شخصیت‌هایم را به سرانجام برسانم؛ اگرچه در رمان مدرن نیز این اتفاق نمی‌افتد؛ مثلاً در رمان «در انتهای شب» سلین، آیا ما از سرانجام تک‌تک شخصیت‌ها مطلع می شویم؟ ما یک قهرمان داریم که به فراخور پیشرفت داستان، با شخصیت‌هایی روبه‌رو می‌شود. سینما هنر تصویر، لباس، گریم و بخشی از فضایی است که شخصیت در آن قرار می‌گیرد و بخشی از شخصیت‌پردازی که این شخصیت به فراخور داستان اصلی به وجود می‌آید و خرده پیرنگ‌هایی که در داستان طراحی می‌شود که باید به کمک پیرنگ اصلی بیایند. مثلاً در فیلم «گل‌های پرپر» جارموش، او به سراغ روابط قبلش می‌رود، پس باید سرنوشت هر کدام از افرادی را که کاراکتر اصلی به سراغش می‌رود، به ما نشان دهد؟

چه میزان از قصه به نوع روایت شخصی شما از سینما بازمی‌گردد؟

روایت هر شخص مختص به خودش است، حتی اگر من و شما هم بخواهیم قصه مشابه را برای دیگران بازگو کنیم، مطمئناً متفاوت روایت می‌کنیم اما آیا روایت‌های ما آنقدر جذاب است و اهمیت دارد که مؤلف یا مؤلف‌هایش برای هنرپژوهان و منتقدان جذاب باشد؟ اینجاست که منتقدان درباره مؤلف‌های روایت یک فیلمساز حرف می‌زنند. راستش من دیده‌ام برخی فیلمسازان هم‌نسلم خودشان را فیلمساز مؤلف خطاب کرده‌اند. این اشتباه است. طبیعتاً من برای تک‌تک فیلم‌هایم موتیف‌هایی را که مورد علاقه‌ام هست، قرار داده‌ام اما شناخت لحن شخصی یک فیلمساز کار من نیست. من ترجیح می‌دهم به این مسائل فکر نکنم و تجربه کنم.

نسبت به دیگر هنرها، طبیعتاً بیشتر با موضوعات روز جامعه درگیر و به دلیل قصه‌گو بودن بخش مهمی از تولیدات سینما، ظهور موضوعات اجتماعی بیشتر است

این اثر، بازیگر سلبریتی به معنای عام ندارد اما بازیگران بازی قابل قبولی از خود ارائه دادند. چطور به این ترکیب رسیدید؟

من به پروسه انتخاب بازیگری این‌گونه نگاه نمی‌کنم؛ یعنی شهرت افراد در انتخاب من تأثیری ندارد. برای من نزدیکی بازیگر به شخصیتی که قرار است بازی کند، مهم است. در «صحنه‌زنی» زمانی که سراغ بهرام افشاری رفتم، او هنوز پرفروش‌ترین بازیگر سینمای ایران و همچنین از شهرت امروزش برخوردار نبود اما وحشی بودنی در بازی او می‌دیدم که به کاراکتر «اسد» می‌خورد. او بازیگر توانایی بود و توانست آن نقش را برای من زنده کند. حامد کمیلی نیز جنس بازی و دیالوگ‌گویی‌اش به نوعی شیک است و به شخصیتی که می‌خواستم نزدیک بود.

از مهم‌ترین چالش‌های خود برای ساخت این اثر بویژه موارد ممیزی آن بگویید.

به طور کلی سانسور در هنر و ادبیات کشنده است. سانسور برای هنرمند خلاقیت نمی‌آورد بلکه او را ترسو می‌کند و دست آخر خلاقیت‌اش را می‌کشد. یاد نام فیلمی از فاسبیندر افتادم؛ «ترس روح را می‌خورد». واقعاً ترس از سانسور، روح تولیدکننده هنری را نابود می‌کند. سینمای ایران هر ساله شاهد ساخت آثاری با مضمون اجتماعی است اما شاید تنها تعداد کمی از آنها موفق به جذب مخاطب شوند که به تعداد انگشت‌های یک دست هم نرسد. دلیل آن چیست؟ راستش ما تا یک دهه قبل سینمایی داشتیم که فیلم‌های اجتماعی در کنار فیلم‌های کمدی می‌فروخت. دو دهه قبل سینمایی داشتیم که سینمای کودک در کنار اکشن و اجتماعی‌اش با هم می‌فروخت اما اکنون چه؟ فقط سینمای کمدی! پرفروش‌ترین فیلم‌های اجتماعی هم حتی نمی‌توانند پول تولیدشان را دربیاورند. من درباره این مسأله نمی‌توانم خوشبین باشم و فکر کنم امروز به صورت خودجوش به این سینمای تک‌ژانری رسیدیم وقتی که نظام توزیع، تولید و... نابرابر است و خیلی نمی‌توانیم درباره خود فیلم‌ها صحبت کنیم. اگر نظام توزیع و تولید درست شود، مطمئن باشید فیلم در ژانرهای دیگر تولید می‌شود و آنها هم می‌فروشند.

پیشخوان فرهنگی

دستکاری عاطفی با «چراغ گاز»

راهکارهایی که در شبکه‌های اجتماعی در زمینه مسائل روانشناسی داده می‌شود همیشه راهگشا و قابل اعتنا نیست و تکیه به مباحث روانشناسی که در کتاب‌ها وجود دارد منبع مطمئن‌تری برای حل مشکلات روحی و احساسی است.

اگر به دنبال شناخت روانشناسی تاریک و تأثیرات اجتماعی آن هستید، کتاب «چراغ گاز» گنجینه‌ای ارزشمند برای شما محسوب می‌شود. این کتاب اثر پاتریک همیلتون، یک نمایشنامه روانشناختی جذاب است که به موضوع فریب احساسی و کنترل روانی می‌پردازد. این نمایشنامه که در ابتدا در سال ۱۹۳۸ توسط این نویسنده در لندن پایه‌گذاری شده است، یکی از برجسته‌ترین آثار ادبیات نمایشی محسوب می‌شود که همچنان جایگاه خاصی در میان مخاطبان و تحلیل‌گران دارد. چراغ گاز تصویری عمیق از تأثیرات روانی دستکاری عاطفی و قدرت‌نمایی شخصیت‌ها ارائه می‌دهد.

«چراغ گاز» شاهکاری است که به بررسی روابط انسانی، فریب روانی و وابستگی‌های عاطفی می‌پردازد. این نمایشنامه، از طریق شخصیت‌پردازی دقیق و دیالوگ‌های قدرتمند، مخاطب را وارد دنیایی از تنش، تاریکی و کنترل روانی می‌کند. این کتاب با ترجمه سروش میدانکی توسط نشر بینش نو وارد بازار کتاب شده است.

«عشق و نفرت» بعد از ۲۳ سال

آلبومی به بازار موسیقی آمده که سازندگانش با وسواس تمام و با مشاوره با بزرگان موسیقی بعد از ۲۳ سال منتشر کرده‌اند. این آلبوم که عشق و نفرت نام دارد با آهنگسازی، تنظیم و اجرای علیرضا شیرین فرد پس از طی مراحل قانونی مجوز نشر گرفت.

اسامی قطعات شامل عشق و نفرت، بی‌ستاره، جاده، بوم سیاه، یلدای تو، برگرد، خط آغاز، شکایت، از تو می‌نویسم، سکانس آخر، عیان و تنهایی هستند. ترانه سرایان این قطعات فاطمه کوهستان، محمدرضا قادری، امیر بابایی، نیما پوتی و همچنین دکتر منصور بنی عامریان مهندس صدا و میکس و مستر کار را به عهده داشتند. نوازندگانی که در تولید این آثار همکاری داشتند آقایان علی درخشان، مجید مصطفایی، میثم میرزایی، پارسا انصافی، مهدی مختاری، منصور ابوالحسنی نیارکی، شاهین کشاورز، علی تفضلی یزدی و عماد عطارزاده هستند.

شیرین فرد درباره اینکه چرا بعد از این مدت طولانی بیست و سه ساله به انتشار آلبوم دست زده، گفت: «من در سال ۱۳۷۸ شروع به جمع‌آوری اشعار و انتخاب نام مجموعه کردم و در مراحل آهنگسازی و اتودهای اولیه تحت تأثیر اساتید خود و در نتیجه مصاحبت با بزرگان موسیقی قرار گرفتم که در همان سال‌ها از ادامه روند و ارائه مجموعه به بازار موسیقی اجتناب کردم که خود نشان از وسواسم داشت. اکنون پس از سال‌ها بر این باور هستم که زمان مناسبی است.» مراسم رونمایی از این آلبوم بزودی برگزار و جزئیات آن اعلام خواهد شد.

پایان فروردین ماه با «منگی»

اگر برای آخر هفته برنامه رفتن به تئاتر را دارید به دیدن نمایش «منگی» به نویسندگی و کارگردانی محمدامین سعدی بروید که در روزهای ۲۸ و ۲۹ فروردین در سانس ۱۸ و ۱۹:۳۰ روی صحنه خواهد رفت. این نمایش قرار است در پایان هفته جاری و در روزهای ۲۸ و ۲۹ فروردین در سانس ۱۸ و ۱۹:۳۰ روی صحنه برود. تهیه‌کنندگی این اثر نمایشی بر عهده سمیه پناهی و مجری طرح آن آکادمی فرهنگی هنری ویشا است.

نمایش «منگی» اقتباسی از رمان منگی نوشته ژوئل اگلوف و ترجمه اصغر نوری و ادبیات نمایشی فرانسه است که در مکانی غیرمعمول، میان خانه و کشتارگاه مردی جوان و مجرد در کنار مادربزرگ بدخلقش روزگار می‌گذراند. این اثر نمایشی به شیوه بیناسبکی کارگردانی شده است و در فضای پست‌مدرن روایت می‌شود. تک بازیگر این اثر فردین رحمانپور است و سحر قاسمی به‌عنوان بازیگر فرم و سایه در نمایش «منگی» حضور دارد.